#### جایگاه آموزش‏ شعر در کتابهای درسی‏ عربی

دکتر بتول علی‏نیا

(به صفحه تصویرمراجعه شود) یکی از راههای آموزش مسائل اعتقادی،زبان شعر است. چه بسا بخواهیم آموزش‏های زیادی به کودکان و نوجوانان خود دهیم.اگر برای این کار از روش مطبوع و دلچسب استفاده کنیم‏ موفق خواهیم بود.

زبان شعر به دلیل موسیقی و آهنگ خود در دل و جان نافذ است،کودک را از زمان طفولیت با شعر آشنا کنیم و ایمان‏ داریم که برایش خوشایند است ولی فراموش می‏کنیم که این‏ زیبایی و دلچسبی به اقتضای سن نیست بلکه جزء صفات کلام‏ موزون است.سخن که به شکل نظم درآید بهتر می‏توان آن را آموخت و حفظ کرد.چه خوب است در مراحل بالای آموزش‏ به این حقیقت توجه گردد.

آموزش مسائل اعتقادی،اخلاقی،تربیتی،انقلابی و اسلامی در لابلای اشعار بسیار دلنشین‏تر و لطیف‏تر خواهد بود. چه بسا شاعر دردهای جامعه و احساسات و آرزوهای خود را در قالب ریخته و به خوانندگان بیان می‏کند.«علی الجارم»،تصویر کودک آواره و سرگردان را ترسیم می‏کند که بدون غذا و لباس و خانه است هیچ پناهی ندارد و از آوارگی می‏سراید و انسان را چون پرنده می‏داند که مأوایی ندارد.او اعتقادات خود را در ابیاتش منعکس می‏کند و معتقد است گرسنگی و فقر،سنگدلی‏ و بی رحمی می‏آورد:

مشرّد یأوی إلی همه‏ إذا أوی الطیور إلی و کره‏ ماذاق حنان المسّ فی شعره‏ و لا حلّو اللّثم فی خده‏ البطن مهضوم طواه الطّوی‏ و نام أهل الارض عن نشره‏ «علی الجارم)سعی دارد حس انسان دوستی و یاری به‏ دیگران را تقویت کند.اینها ارزشهای اخلاقی هستند که با زبان‏ زیبای شعری بیان می‏شود.

«احمد رامی»شاعر مصری در ادبیات قصیده‏اش با عاطفه‏ پدرانه و صمیمی،جوانان و نوجوانان را به بزرگ اندیشی و کسب‏ بزرگواریها دعوت می‏کند:

أیها الطالب الطموح الی المجـ... -د تقدّم دنیاک دار الجهاد قف أمام الکتاب و اقرأ کلام اللـ... -ه یهدی الی صلاح العباد و استغلّ الحدیث ینطق بال -حقّ و یدعوا لی کریم الوداد... بالاترین و بیشترین اشعار دلچسب،اشعار مذهبی و اسلامی هستند.زیرا از این طریق اعتقادات دینی را با روشی ظریف و هنرمندانه می‏توان به فرزندان خود آموزش داد.

«احمد شوقی»در پرورش اعتقاد دینی و تقویت ایمان‏ اشعاری سروده است که مناجات پروردگار را با زبان ساده بیان‏ می‏کند:

یا رب فکثّر عددا و ابذل لابوتنا المددا او از پروردگارش می‏خواهد که رابطه‏اش را با پدر محکم‏ و استوار گرداند و همچنین از پروردگار خواهان رشد و کمال و کمک به وطن است می‏گوید:«پروردگارا پدرمان را کمک و یاری کن،اگر چه تعدادمان زیاد است».ابیات سروده شده‏ توسط احمد شوقی دارای الفاظ ساده و موزون است که حفظ و فهم آن برای هر نوجوانی و جوانی آسان است.

«معروف رصافی»بطور آشکار و حسی به زیبایی طبیعت‏ اشاره می‏کند و در میان ابیاتش به کودکان،خداوند متعال-که‏ خالق هستی بوده و ناظم همه چیز است-را می‏شناساند و او نه تنها از طریق احساس و مشاهده به دنیای بچه‏ها وارد می‏شود بلکه با کمک عقل و اندیشهء خود وجود خداوند بزرگ را ثابت می‏کند و ضمن اشاره به درخت و میوه‏هایش،خورشید و نورش،شب‏ و ماهش،ابر و بارانش،نعمت دیدن و قدرت تکلم و تعقل را یادآور می‏شود و درس شناخت خداوند را به کودکان آموزش‏ می‏دهد:

انظر لتلک الشجرة ذات الغضون النضرة کیف نمت من حبّة و کیف صارت شجرة و انظر إلی الشمس التی‏ جذوتها مستعرة فیها ضیاء و بها حرارة منتشرة و انظر إلی اللیل فمن‏ أظهر فیه قمرة ذاک هو الله الذی‏ أنعمة منهمرة ذو حکمة بالغة و قدرة مقتدرة «امام شافعی»در قصیدهء«آل محمد»اعتقاد خود را به‏ زبان می‏آورد و از دل رنج کش و قلب شکسته می‏گوید،از مظلومیت حسین بن علی(ع)می‏گوید،و چه زیبا می‏گوید که‏ دنیا بخاطر خاندان محمد(ص)به لرزه درآمد و نزدیک بود کوههای سخت و خاموش ذوب گردند و جملهء پدیده‏ها برپیامبر مبعوث درود می‏فرستند اما شگفتا که با فرزندانش ظالمانه رفتار کردند:

تأوّه قلبی و الفؤاد کئیب‏ ؤارّق نومی فالسّهاد عجیب‏ فمن مبلغ عنّی الحسین رسالة و إن کرهتها أنفس و قلوب‏ ذبیح بلاجرم،کأنّ قمیصه‏ صبیع بماء الاّ رجوان خضیب‏ فللسّیف أغوال و للرّمح رنّه‏ و للخیل من بعد القهیل نجیب‏ تزلزلت الدنیا لال محمد و کادت لهم صم الجبال تذوب‏ و غارت نجوم و اقشّعرت کواکب‏ و هتّک أستار،و شقّ جیوب‏ یصلّی علی المبعوث من آل هاشم‏ و یغزی بنوه!!إنّ ذالعجیب‏ لئن کان ذنبی حبّ آل محمّد فذلک دنب لست عنه اتوب‏ هم شفعائی یوم حشری و موقفی‏ إذ مابدت للناظرین خطوب‏ شاعر،حب اهل بیت را بیان می‏کند که هرگز آن را ترک‏ نخواهد کرد زیرا که عشق به ولایت نجات بخش وی در روز قیامت است.امام شافعی در ابیاتی دیگر بهای رسیدن به بلندی‏ و بزرگواری را تحمل مشکلات و سختی‏ها می‏داند که یاآور بیت«نامبرده رنج گنج میسر نمی‏شود...»در ادب فارسی است:

بقدر الکدّ تکتسب المعالی‏ و من طلب العلی سهر اللیالی‏ و من رام العلی من غیر کدّ أضاع العمر فی طلب المحال‏ تروم العزّثمّ تنام لیلاّ یغوص البحر من طلب اللآلی‏ شاعر رسیدن به مقام والا را نتیجهء شب بیداری‏ها می‏داند اگر انسانی بدون زحمت،توقع رسیدن به درجات عالی را داشته‏ باشد،در گمان باطل است.حتی برای درک این معنا تشبیه‏ ملموس می‏آورد هرکس مروارید بخواهد باید در دل دریا فرو رود تا بتواند به آن دست یابد.عزت طلبی با سستی و تنبلی سازگاری‏ ندارد باید تلاش کرد تا به نتیجه رسید.بیان این حقایق و ایجاد (به صفحه تصویرمراجعه شود) انگیزه جهت تلاش و کسب بزرگی‏ها با بیان شعر بسیار متین و قابل قبول است.

جوانان ما از دریچه ادبیات مفاهیم اخلاقی و اعتقادی را می‏یابند،روح و جانشان را به آن آراسته می‏کنند.از این نمونه‏ ابیات در کتب درسی دبیرستان بسیار آورده شده است. «ابو القاسم شابی»در شعر«ارادة الشعب»خود بسیار زیبا از خواستهای مردم و ارادهء آنها سخن می‏گوید و اینکه قضا و قدر باید تسلیم خواست بزرگ آنان شود.وقتی انسان زندگی و آزادی‏ را بر خود بخواهد،باید مبارزه کند،باید پردهء شب شکافته شود و قیدهای اسارت گسسته گردد.شاعر معتقد است کسی که‏ عشق به زندگی نداشته باشد از بین می‏رود و چنین کسی گویی‏ از نیستی سیلی می‏خورد:

اذا الشعب یوما أراد الحیاة فلا بدان یستجب القدر و لا بد للیّل أن ینجلی‏ و لابدّ للقید أن ینکسر و من لم یعانقه شوق الحیاة تبخرّ فی جوها و اندثر فویل لمن لم تشقه الحیاة من صفعة العدم المنتصر کذلک قالت لی الکائنات‏ و حدّثنی روحّها المستتر شابی در قصیده‏اش از مجاز و تشبیه کمک می‏گیرد تا مقاصد فکری خود را به شنونده منتقل کند.او می‏خواهد آدمها را به‏ مبارزه و قیام علیه استعمارگران دعوت کند و سعی دارد شوق به‏ زندگی را در دل آنها ایجاد کند و انگیزهء مبارزه را تقویت نماید. برای رسیدن با این مقصود از زبان پدیده‏ها پیام می‏رساند و آدمی‏ را نصیحت می‏کند که اگر قصد رسیدن به هدفی هست،باید بر مرکب مرگ سوار شد و خطر و احتیاط را کنار گذاشت،از پیچ‏ و خم دره‏ها و زبانه‏های آتش فروزان نترسید.دره‏هایی که خطر سقوط در آن است و زبانهء آتشی که می‏سوزاند.آوردن این‏ نمونه‏های حسی،انسان را تکان می‏دهد و سپس پیام خود را می‏گوید که هرکس رسیدن به بلندای قله‏های کمال را دوست‏ ندارد باید تا ابد در میان حفره‏های پستی زندگی کند.

و دمدمت ایولح بین الفجاج‏ و فوق الجبال و تحت الشجر «اذا ما طمحت إلی غایة رکبت المنی و نسیت الحذر»1 و لم أتجنب و عور الشعاب‏ و لاکبّة اللّهب المستعر و من لا یحبّ صعود الجبال‏ یعش ابدا الدّهر بین الحفر شاعر با دادن شخصیت به کائنات و گفتگو با آنها حرفهای‏ خود را می‏زند درواقع صنعت تشخیص را بکار می‏برد.نمونهء این آرایه را در اشعار فارسی هم می‏بینیم.مثل گفتگوهایی که‏ پرورین اعتصامی از زبان اشیاء و پدیده‏ها در دیوان خود دارد.

شابی در دنباله قصیده‏اش از الهامات درونی و پیام خون‏ جوانان می‏گوید و بار دیگر ما را به زمزمه‏های زمین جلب‏ می‏کند:

فعجّت بقلبی دماء الشّباب‏ و ضجّت بصوری ریاح أخر... و أطرقت أصغی لقصف الرعود و عزف الریاح و وقع المطر و قالت لی الأرض،لما سألت‏ «ایام أم هل تکرهین البشر؟»

قصیده شاعر طولانی است آخرین بیت در دیوان اینگونه‏ است:2

«اذا طمحت للحیاة النفوس‏ فلابدّ ان یستجیب القدر»

ابیات ذکر شده در کتابهای درسی نه تنها از نظر محتواهای‏ آموزشی غنی است بلکه از حیث صور بلاغی و بکارگیری فنون‏ و آرایه‏های ادبی بسیار پرفایده است.باید زیبایی‏های اشعار را به دانش‏آموزان نمایاند و با بررسی دقیق و توقف بر کلمات‏ شاعر،اطلاعات بیشتری ارائه داد؛ابیات را با لحن و موسیقی‏ خاص ادا کرد تا مفهوم در دل نشیند.

##### پی‏نویسها:

(1)این مصرع به شکل دیگری نیز آمده است:«لبست المنی و خلعت الحذر».

(2)دیوان ابی‏القاسم الشابی و رسائله.داراالکتاب العربی-بیروت ط 3.1997 م.